



اولین همایش اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

خودداری از سخن گفتن و اهمیت آن در کسب فضائل اخلاقی

فاطمه آبشاری^۱، عین الله خادمی^۲

تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

fatemehabshari@yahoo.com

چکیده:

فضائل اخلاقی از نظر عدد بسیار هستند، اما بر اساس دیدگاه مقبول برخی اندیشمندان مسلمان اصل و منشاء همه ی آن ها، سه فضیلت حکمت، شجاعت و عفت است، و مجموع این سه اصل، عدالت را ایجاد می کند، و یا به بیانی دیگر صفات اخلاقی زمانی به فضیلت تبدیل می شوند که عدالت را همراه خود داشته باشند. ترک گناهان زبان از طرفی، و رعایت سکوت و خودداری از سخن گفتن در موقعیت گناه از طرف دیگر، از جمله ی مواردی هستند که تاثیر بسزایی در کسب فضائل مذکور ایفا می کند، چه با حذف آن ها، هیچ تهذیب نفسی صورت نمی پذیرد، و در نتیجه هیچ یک از فضائل اخلاقی نهادینه نمی شود. ملازمت بر سکوت موجبات پیدایش آثار مثبت اخلاقی را فراهم می آورد. اهمیت این امر به حدی است که بسیاری از علمای اخلاق دائماً شاگردان خود را به رعایت سکوت و مداومت بر آن توصیه می کنند، و به نوعی آن را از مقدمات سیر و سلوک می دانند. به طور کلی حفظ و کنترل زبان، آدمی را از بسیاری از آفات مصون می دارد.

کلید واژه: سکوت، گناهان زبان، حکمت، شجاعت، عفت، عدالت.

^۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

^۲- دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، e_khademi@ymail.com



اولین همایش اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

طرح مساله

آدمی همواره در معرض دو قسم از شرور و آفات است: یکی شروری که از خارج وجود سرچشمه می گیرد، مانند بیماری، زلزله، سیل و امثال اینها. و دیگری شروری است که از درون ناشی می شود، و ریشه ی روانی دارد، این قسم شامل آفات و سیئات اخلاقی می باشد.

آسیب ها و خطرات قسم دوم به مراتب بیشتر از قسم اول است، چراکه شرور طبیعی به دنیای مردم و حیات ظاهری آسیب می زند و شرور نفسانی، دین و دنیا و حیات باطنی انسان را مورد هجوم خود قرار می دهد. همچنین خسارات ناشی از بلایای طبیعی، زندگی مادی را برای مدتی تلخ می کند، اما فساد اخلاقی شرف و فضیلت را سرکوب می کند، و آدمی را به خلق و خوی درندگان نزدیک می سازد و وی را از رسیدن به سعادت ابدی محروم می کند، و لذا واضح است که علم اخلاق از اهمیت زیادی برخوردار است، علمی که آدمی را از منجلاب نابودی به اشرف کائنات شدن می رساند، به همین دلیل این علم را اکسیر اعظم خوانده اند.

بر اساس کلام معصومین (علیهم السلام) بسیاری از خطاهای آدمی از زبان اوست، و هر کس زبان خویش را حفظ کند، از بسیاری آفات و خطرات در امان است، بر این اساس مسئله ی اصلی این پژوهش این است که، خودداری از سخن گفتن چه نقشی در کسب فضائل اخلاقی ایفا می کند؟ در این راستا واکاوی پرسش های ذیل ضرورت دارد:

1. اصول فضائل اخلاقی چیست؟

2. خودداری از سخن گفتن در چه مواردی واجب و انجام آن ناپسند است؟

3. فواید سکوت چیست؟ و چه نقشی در بهبود اخلاق آدمی دارد؟

4. خودداری از سخن گفتن چه تاثیری در کسب اصول فضائل اخلاقی دارد؟

(حیدری نراقی. 1390. صص 31-32، نراقی. 1392. صص 18-25).

1- اصول فضائل اخلاقی

علمای اخلاق بر این باورند که چهار قوه اصلی در وجود آدمی به ودیعت گذاشته شده، و آن ها عبارتند از: نظریه عقلیه، وهمیه خیالی، سبیه غضبیه و بهیمیه شهویه. توضیح اینکه، شأن قوه عقلیه و وهمیه ادراک امور است، با این تفاوت که عقلیه، کلیات را درک می کند، و وهمیه قادر به درک جزئیات است، و از آنجایی که هر فعلی که از بدن سر می زند، افعال جزئی است، قوه وهمیه را عقل عملی و قوه عامله نامیده اند. همچنین قوه عاقله را عقل نظری نام نهادند. اما قوه غضبیه، مبدأ حرکت بدن به سوی دفع امور نامناسب می باشد، و قوه شهویه مبدأ حرکت آن به سوی جذب امور مناسب است.



اولین همایش اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

برخی از فلاسفه قدیم و همچنین برخی علمای اسلام از جمله ملا احمد نراقی و علامه طباطبایی بر این باورند که از تهذیب و پاکیزگی قوه عاقله، صفت "حکمت" حاصل می شود، و از تهذیب غضبیه، صفت "شجاعت" بروز می آید، و از تهذیب شهویه، خلق "عفت" پدیدار می شود، و از تهذیب قوه عامله، "عدالت" ظاهر می گردد، و عدالت مطیع بودن قوه عامله در برابر عاقله است. البته معنای دیگری ذیل صفت عدالت بیان شده است، و آن عبارت است از اجتماع جمیع قوا و اتفاقشان، در واقع مجموعه حکمت، عفت و شجاعت، صفت عدالت را در آدمی بر می انگیزد. و یا به عبارتی دیگر می توان گفت، واجب است که صفت عدالت با هر یک از صفات همراه شود، تا آن صفت را فضیلت اخلاقی نامید. به هر حال این چهار صفت اصول فضائل اخلاق به حساب می آیند. به این معنا که دیگر صفات حسنه، از این چهار صفت ناشی می شوند، و این چهار صفت مصدر آن ها به شمار می آیند (نراقی، ۱۳۹۲، ص ۳۰-۳۶، طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۵۸-۵۶۰).

در اینجا بر اساس معنای دوم از عدالت، به بررسی نقش زبان در کسب حکمت، عفت و شجاعت پرداخته شده است، بدیهی است مجموعه ی اینها عدالت را شامل می گردد.

۲- خودداری از سخن گفتن

بر اساس احادیث، بیشتر خطاهای آدمی از زبان اوست، و این جرم کوچک به سگ درنده ای تشبیه شده است که اگر رها شود، می گزد و اگر بر انسان مسلط شود، موجب خواری می گردد، لذا بر انسان است که زبان خویش را کنترل نماید، چراکه در غیر اینصورت، زبان سرکش می شود، و زبان سرکش، صاحبش را نیز سرکش می کند، و چه بسا موجب هلاکت شود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر کس زبانش را حفظ کند، بهشت را برای او ضمانت می کنم. کفر به خدا، گفتارهای باطل، یاوه گویی، بهتان، تهمت، الحاد، انحراف درباره ی صفات و اسما الهی، غیبت، سخن چینی و ... تمام اینها از جنایت های زبان است، و کسی که مراقب این اعمال نباشد و به آنچه می گوید، اهمیت ندهد، شریک شیطان خوانده شده است، چنین شخصی به سرعت گرفتار و به عقوبت می رسد، و نزد مردم رسوا می گردد (نهج البلاغه، ص ۳۳۸، فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ص ۷۳۸، ورام، ۱۳۶۹، ص ۲۰۷، دیلمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۴۵، حر عاملی، ۱۳۸۰، ب، ص ۲۸۶، مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۶-۲۴۱، همو، د، ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۹، صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۵۱۸).

ترک کردن اموری که برای شخص سودی ندارد، نشانه نیکویی اسلام اوست و لذا هر که موقعیت گفتارش را با عقلش تمیز دهد سخنش در چیزهایی که سودی ندارد کاسته می شود. از طرفی از آنجایی که بر ما روشن نیست که سخنانمان چه تاثیری در اعمالمان دارد، عقل سلیم و همچنین قدر و منزلتمان، به عنوان جایگاه آدمی، ایجاب می کند که از سخن بیهوده خودداری نماییم، چراکه عیوب مخفی را آشکار می کند و دشمنی های خفته را بیدار می نماید. از جمله سخنان بیهوده، سخن درباره ی اموری است که مورد رضای حق تعالی نمی باشد، در روایات بسیار توصیه شده است که از این قبیل سخنان بر حذر باشیم، چراکه سبب قساوت قلب می شود، و دورترین مردم از خدا کسی است که قساوت قلب داشته باشد، و آن عبارت است از غلظت و سختی و سفتی دل به طوری که از فراگیری و پذیرش حق امتناع دارد، مانند سنگ سختی که آب از روی آن عبور می نماید و هیچ توقف و ایستادگی در آن ندارد (طبرسی، ۱۳۷۴، الف، ص ۵۰، حر عاملی، ۱۳۸۰، الف، ص ۱۴۵-۱۴۷، مجلسی، د، ج ۲، ص ۲۹۹، همو، ۱۳۶۴، ب، ج ۲، ص ۹۵، همو، ج ۲، ص ۲۳۹، جنتی، ۱۳۸۲، ص ۹۱).



اولین همایش اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

2-1- موارد وجوب خودداری از سخن گفتن

کنترل زبان و سخن نگفتن شامل موارد بسیاری می شود، در ذیل به عنوان نمونه چند مورد آن ذکر می گردد:

1. تمسخر: مسخره کردن یکی از گناهان زبان است، که از روی کم خردی و نادانی انجام می گیرد. این گناه بزرگ، موجب محرومیت از نعمت می شود و عدم آموزش الهی را به دنبال دارد، همانطور که خداوند متعال درباره ی کسانی که مومنین را به جهت پرداخت صدقه مسخره می کردند، خطاب به پیامبر خویش فرمود: ((اسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ))³. شاید یکی از دلایل این تویخ شدید، این باشد که اگر تمسخر در جامعه ای رایج شود، یکی از نتایجش این است که این آتش به مقدسات می رسد و اتفاقی که خیلی راحت رواج پیدا می کند، مسخره کردن اولیا خداست. چون باب شدن تمسخر علیه مقدسات هم راحت است و هم کنترل آن، بسیار مشکل است (مجلسی. 1364. ج. 2. ص. 95، همو. 1364. هـ ص. 209).

2. جدال و مراء: یکی از مواردی که به شدت از آن نهی شده است، جدال است. چراکه این امر سبب سنگدلی و ایجاد کینه می شود، کمترین حد آن آزردن دیگران است، چون باعث تکذیب برادر و دوست و یا نادان شمردن او می شود. یکی از خطرات جدی جدال، به شک و تردید انداختن شخص درباره ی دین خداست، که در نهایت موجب دلمردگی و رشد نفاق می گردد. واژه جدال از جدل مشتق شده است. گفته اند: اصل در جدال، زمین زدن و کشتی گرفتن است، ولذا جدال به بحثی اطلاق می شود که به هدف تحقیر شخص مقابل انجام می گیرد. بر اساس روایات، جدال با سه تن جایز نیست: اول شخص حلیم، که با حلمش شخص جدال کننده را وا می گذارد. دوم شخص سفیه، که جدال با او موجب هلاکت آدمی می شود، و سوم کسی که گرفتار فتنه ها شده است، چراکه او دست از خیالات بر نمی دارد و جدال با او سودی ندارد (راغب. 1375. ص. 386، قمی. نزهه النواظر. ص. 135، ورام. 1369. ص. 216-217، فیض کاشانی. 1426. ص. 25-26، مجلسی. بحار الانوار الف. ج. 2. ص. 139 و ج. 73. ص. 399، همو. 1378. ج. 2. ص. 238).

از دیگر موارد اجتناب از آن مراء می باشد، و آن از قبیل بحث هایی است که به عنوان اظهار فضل و برتری جویی انجام می گیرد، و این امر و اصرار بر آن دلیل بر جهل شخص و وسوسه ی شیطان است، که به آدمی القا می کند، با مردم مباحثه و مناظره راه بینداز تا دیگران نپندارند که تو نادان و ضعیف هستی.

مراء و جدال دو عامل هلاکت آدمی است، و بسیار از آن نهی شده است تا جایکه پیامبر (ص) فرمودند: ایمان کسی کامل نمی گردد مگر آنکه مراء و جدل را ترک کند، گرچه حق با او باشد (مجلسی. بحار الانوار الف. ج. 2. ص. 135 و 137).

3. غیبت: سخن از غیبت بسیار شده است، و قباحت این عمل بر همگان آشکار است. غیبت ذکر نقصانی در شخص است، که اگر بشنود موجب ناراحتی او می گردد، چه این نقصان در بدن، نسب، خلقیات، رفتار و ... باشد. می دانیم که ریختن خون، مال و آبروی مسلمان، بر دیگر مسلمانان حرام است، بد نیست بدانیم که بر اساس روایات، غیبت آبرو را می ریزد.

عوامل غیبت بسیار است که در اینجا به بخشی از آن ها اشاره می شود:

- اظهار خشم و غضب: گاهی انسان به جهت داشتن بغض و کینه از شخصی دچار غیبت می شود.
- همراهی با دوستان: گاهی در مجالس، غیبت شخصی (به هر دلیلی) به میان می آید، و شخص به جهت تعارف و ترس از طرد شدن از میان دوستان، به آنان همراهی می کند.

³ - چه برای آنان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی [یکسان است، حتی] اگر هفتاد بار برایشان آموزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزد.



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

- ابراز برتری: گاهی پیش می آید که اشخاص به هدف بالا بردن جایگاه و شخصیت خود، از نقایص و کاستی های دیگران سخن می گویند. به عنوان مثال می گوید: فلان شخص نادان است و فهم درستی از مسائل ندارد، اما هدفش این است که بگوید، از شخصی که غیبت او را می کند، افضل است.

- سرگرمی: گاهی اشخاص به جهت گذران وقت، مشغول خنده و شوخی می شوند، و بسیار پیش می آید که به غیبت دچار شوند.

در پستی این عمل همین بس که رسول خدا^(ص) فرمودند: نشستن در مسجد به انتظار نماز تا هنگامی که حدیثی از انسان سر زده، عبادت است. گفته شد: ای رسول خدا^(ص) منظور از حدیث چیست؟ فرمودند: غیبت کردن (فتال نیشابوری، 1366، ص 740، ورام، 1369، ص 225-228، فیض کاشانی، 1426، ص 76-78، مجلسی، 1378، ج 2، ص 242).

4. شوخی زیاد: یکی از اعمالی که از آن نهی شده است، شوخی زیاد است که در آن حماقت و بی عقلی نهفته شده است. شوخی زیاد آفات بسیاری دارد، مانند اینکه آبرو، هیبت، وقار و احترام آدمی را می برد، و موجب می شود که دیگران بر شخص جرات پیدا کنند. شوخی را دشنام کوچک خوانده اند، که موجب کینه و سرانجام دشمنی می گردد. شخص در صورت رعایت نکردن اعتدال در بذله گویی، به ناچار از داشتن بدخواه بی نصیب نخواهد بود.

در لغت عرب، شوخی را مزاح می نامند، گفته شده است، وجه تسمیه ی آن به این نام از آن جهت است که صاحبش را از حق منحرف می کند⁴ (غرر الحکم، ج 580 و 6523 و 8432 و 8930، کلینی، 1362، ج 2، ص 18 و 665، صدوق، 1400، ص 223، حرانی، 1404، ص 86، رضی الدین، 1370، ج 2، ص 321، طبرسی، 1374، الف، ص 191، ورام، 1369، ص 216-217، فیض کاشانی، 1426، ص 49).

5. دشنام دادن: دشنام و دشنام دادن از جمله مواردی به شمار می رود که از خوی اسلام نیست، چراکه یکی از شاخه های نفاق بد زبانی است. همنیشینی با شخص بد زبان ناپسند، و بهشت بر او حرام است، و چنین شخصی از بدترین بندگان خداست (غرر الحکم، ج 218، ورام، 1369، ص 214-215، حر عاملی، 1380، ص 286-287، صابری یزدی، 1375، ص 517).

6. دروغ: روایت معروفی است که می فرماید: همه ی پلیدی ها در اطایقی قرار دارند و کلید آن در، دروغ است. اساساً سر همه ی گناهان، زبان دروغ پرداز است. در روایتی آمده است، مردی خدمت رسول خدا^(ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله من در پنهانی مرتکب چهار گناه می شوم، زنا، شرب خمر، سرقت و دروغ. هر یک از آن ها را که بفرمایی به خاطر تو آن را ترک می کنم (گویا آماده ترک همه ی آن ها نبود و می خواست یکی را به خاطر رسول خدا^(ص) ترک کند) پیامبر^(ص) به او فرمود: دروغ را رها کن. آن مرد از خدمت پیامبر^(ص) بازگشت. هنگامی که تصمیم گرفت به سراغ عمل منافی عفت برود، به خودش گفت اگر این کار را انجام دهم، ممکن است پیامبر^(ص) از من سوال کند، اگر راست گویم حد بر من جاری می کند، و اگر دروغ بگویم پیمان خود را با او شکسته ام. ناچار این عمل را ترک کرد.

سپس تصمیم به سرقت و شرب خمر گرفت، باز همین فکر برای او پیش آمد، به خدمت پیامبر^(ص) برگشت و عرض کرد: شما تمام راه ها را بر من بستید، به همین جهت من تمام این گناهان را ترک کردم.

دروغگو به خاطر پستی و دنائت نفس خود دروغ می گوید که موجب فقر، از بین رفتن مردانگی، بی اعتباری و بی آبرویی، هلاکت و خرابی ایمان آدمی می شود (نهج الفصاحه، ص 222، غرر الحکم، ص 443، دیلمی، ج 1، ص 466، مجلسی، 1378، ج 2، ص 465-470).

⁴ - إن المزاح سمي مزاحاً؛ لأنه أراح صاحبه عن الحق.



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

البته بدیهی است مواردی که مربوط به سخن نگفتن و حفظ زبان است بسیار بیش از این مقدار می باشد، که در اینجا به شایع ترین آن ها اشاره گردید.

2-2- ملازمت بر سکوت

گاهی توصیه می شود که در موقعیتی (مواقعی که در معرض گناه هستیم)، زبان خود را کنترل کنیم، و گاهی می گویند به طور کلی سکوت کرده و کمتر سخن بگوییم. البته سخن نگفتن به معنی سکوت کردن است، اما از آنجایی که سکوت در روایات و دستورات علمای اخلاق بحث ویژه و خاص خود را دارد، در اینجا به طور جداگانه به آن پرداخته می شود.

در روایات تأکید فراوانی به سکوت و تداوم بر آن شده است، آن را دری از درهای حکمت و دانش معرفی کرده اند، از سکوت به عنوان یآوری خوب، نگهدارنده ای مناسب و گنجی شایان یاد شده است. کم سخن گفتن و حفظ سکوت، نشان از عقل کامل مومن و تسلیم بودن وی در برابر مقدرات الهی است. ائمه (علیهم السلام) پیروان خویش را به رعایت سکوت توصیه می کردند، چراکه در آن حکمت و تدبر وجود دارد، و مقام انسانی را ارتقا می بخشد و علامت نیکویی اسلام شخص است، و نیز به دلیل اینکه در سکوت پشیمانی نیست، اما هرگاه زبان باز شد، سخن پشت سر هم می آید و نمی توان جلو آن را گرفت، همچنین می توان آنچه را که گفته نشده، باز گفت اما هیچ بازگشتی برای سخن گفته شده وجود ندارد. برای شخصی مکاشفه ای روی داد، به حضور رسول الله (ص) شرفیاب شد، از آن حضرت ذکر خواست، فرمودند: من به شما ذکر سکوت می دهم.

بر اساس احادیث معصومین (علیهم السلام) شخصی که زبان خویش را نگه می دارد، صدقه ای است که به خویشتن می بخشد، و در نهایت به بهشت برین داخل می گردد، چراکه مردم از دست زبان خود گرفتار آتش جهنم خواهند شد. شخصی خدمت رسول الله (ص) رسید و درخواست توصیه و موعظه نمود حضرت فرمود: زبانت را حفظ کن. عرض کرد: دیگر بفرما، فرمود: زبانت را حفظ کن. برای بار سوم تقاضا کرد. حضرت فرمود: زبانت را حفظ کن. در ادامه خطاب به آن شخص فرمود: وای بر تو آیا به جز محصولات زبان چیز دیگری مردم را به صورت در آتش می افکنند؟! (غررالحکم، ج 281، فتال نیشابوری، 1366 ص 742، کلینی، 1362 ج 2 ص 113، ورام، 1369 ص 204، حر عاملی، 1380 الف ص 137-138، مجلسی، 1378 ج 2 ص 229 و 239 و 240-243، همود، ج 2 ص 283 و 300، حسن زاده آملی، 1378 ص 26).

عامل منحصر شمردن زبان برای دخول در آتش به عنوان مبالغه است و شاید این قبیل احادیث اشاره به این آیه باشد که می فرماید: ((فَكَبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ))⁵، در اخبار آمده که غاوین کسانی هستند که در مقام سخن دم از عدل و داد می زنند ولی عملاً بر خلاف عدالت رفتار می نمایند.

روایت شده است که خداوند زبان را عذابی می کند که هیچ یک از جوارح انسان را مانند آن عذاب نخواهد کرد، زبان می گوید: بار خدایا مرا طوری عذاب می کنی که مانند عذاب سایر اعضا و جوارح نیست. خداوند می فرماید: از تو سخنی جاری شد و به شرق و غرب عالم رسید، خون های حرام به وسیله آن جاری شد و اموال مردم به طور حرام غارت گردید، و نوامیس به طور حرام مورد تجاوز قرار گرفتند، اینک به عزت و جلالم سوگند، تو را عذابی می کنم که هیچ یک از اعضا را مانند آن عذاب نکرده باشم. و لذا

⁵ - پس آن ها و همه گمراهان در آن [آتش] افکنده می شوند. 94 شعرا



اولین همایش اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

امیرالمومنین^(ع) می فرمایند: خردمند مگر برای رفع نیاز و یا با داشتن دلیل و حجت سخن نمی گوید (غرر الحکم، ج ۱۷۳۲ ، مجلسی، د، ج ۲، ص ۲۴۵-۳۰۱).

در اهمیت سکوت همین بس که در شب معراج، زمانیکه پیامبر اکرم^(ص) پرسید: خدایا آغاز عبادت چیست؟ خداوند فرمود: خاموشی و روزه گرفتن (دیلمی، ۱۳۷۶ ج ۱، ص ۵۱۸).

البته باید توجه داشت که مراد از سکوت، سکوت مطلق نیست (زیرا بسیاری از مسائل مهم زندگی اعم از عبادات، نشر علوم و فضائل، اصلاح در میان مردم و ... ، از طریق سخن گفتن است)، بلکه منظور، خاموشی در برابر سخنان فساد انگیز یا مشکوک و بی محتوا و مانند آن است. و لذا دسته‌ای از یاران رسول خدا^(ص) ریگ در دهان می گذاشتند و هرگاه می خواستند سخن بگویند آن را از دهان بیرون می کردند، که بتوانند در این فاصله تأمل کنند تا مبادا سخنی ناروا بگویند. در روایات بیان شده است خوشا به حال آن هایی که حق سخن و فواید سکوت را می دانند، اینها از اخلاق پیامبران و شعار برگزیدگان می باشد، هر کس قدر سخن را بداند معنی سکوت را درک می کند. و لذا بر انسان است که سخن خود را کاملاً سنجیده و آن را بر عقل و معرفت خود عرضه کند و خوب دقت نماید، اگر برای خدا و در راه رضای اوست سخن بگوید و گرنه سکوت بهتر از آن است. ربیع بن خثیم (زاهد معروف) روشش این بود که کاغذی در برابر خود می گذاشت و هر چه می گفت، می نوشت. سپس به هنگام شب تمام آنچه را که به سود و یا زیانش بود بررسی می کرد و می گفت: ای آه و حسرت که خاموشان نجات یافتند و ما ماندیم.

البته یادآوری این نکته بجاست که ائمه^(علیهم السلام) بیش از آنکه پیروان خویش را به سخن گفتن امر نمایند، به خاموشی و حفظ سکوت^۶ توصیه کرده اند، تا جاییکه فرموده اند: شیعیان ما گنگ می باشند و سخن نمی گویند. همچنین فرموده اند: سخن بی فایده را نگو و در سخنان مفید هم پرحرفی نکن (مجلسی، ۱۳۷۸ ج ۲، ص ۲۳۵-۲۳۶ و ۲۴۵ ، همود، ج ۲، ص ۲۸۴ و ۲۸۹).

در امت های گذشته نیز سکوت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. نقل شده است هنگامی که نوادگان حضرت آدم زیاد شدند، نزد او صحبت می کردند، و او ساکت بود، آن ها گفتند: پدر چرا سخن نمی گویند؟ فرمود: ای فرزندان من خداوند مرا از جوار خود بیرون کرد و از من خواست کمتر صحبت کنم تا بار دیگر به جوار او بازگردم. و نیز بیان شده است که عابدان بنی اسرائیل به عبادت مشغول نمی شدند تا آنگاه که ده سال سکوت می کردند. سپس مشغول به جدیت و کوشش در عبادت می شدند که عبادتشان پاک و خالی از مفسد باشد و ممکن است که این سکوت طولانی برای اندیشیدن در معارف یقینی و فهم علوم و مطالب دینی باشد تا در جهت علمی به حد کمال برسد و شایسته مقام تعلیم و ارشاد و هدایت بندگان شوند و خود را به وسیله اعمال صالح تکمیل نمایند که در مقام علم و عمل از خطا و لغزش ایمن باشند. همچنین در سوره مریم می بینیم که خداوند متعال به حضرت مریم امر می فرماید، که وقتی نزد قوم خود بازگشتی به آنان بگو من برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام، و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت^۷، می دانیم نذر همواره به کاری تعلق می گیرد که دارای رجحان و مطلوبیت الهی باشد، بنابراین روزه سکوت، حداقل در آن امت یک عمل الهی بود، و از تعبیر آیه چنین بر می آید که نذر سکوت برای مردم آن زمان یک کار شناخته شده بود؛ به همین دلیل، هنگامی که حضرت مریم با اشاره اظهار داشت که روزه سکوت گرفته‌ام ظاهراً کسی بر این کار او

^۶ - البته سکوتی که همراه با تفکر و اندیشیدن باشد، که در غیر اینصورت غفلت است، و معنای حدیثی که می فرماید زبان مومن بعد از قلب او حرکت می کند همین است، و اینکه می فرماید دل منافق بعد از زبانش می باشد، اشاره به این مطلب دارد که منافق هر چه می خواهد می گوید و متوجه سود و زیانش نیست (طبرسی، ۱۳۷۴ الف، ص ۴۹ ، حر عاملی، ۱۳۸۰ الف، ص ۱۴۶ ، مجلسی، ۱۳۷۸ ج ۲، ص ۲۴۲).

^۷ - إني نذرت للرحمن صوماً فلن أكلم اليوم إنشياً. ۲۶مریم



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

ایراد نگرفت^۸ (حر عاملی، ۱۳۸۰ ص ۱۳۷ ، مجلسی، ۱۳۷۸ ج ۲ ص ۲۳۴ و ۲۴۶ ، همو، ج ۲ ص ۲۸۰ و ۳۰۱ ، مجاهدی، ۱۳۸۱ ص ۶۶۵).

بدیهی است که حفظ زبان و رعایت سکوت تاثیر بسزایی در مسیر تهذیب نفس و سیر الی الله دارد، گو اینکه فرمودند: خداوند در چیزی به مانند سکوت پرستش نشده است. همچنین علمای اخلاق معتقدند سالکان راه حق، بدون رعایت سکوت و حفظ زبان به جایی نمی‌رسند، هر چند در ریاضت های بدنی و روحانی و انجام انواع عبادات تلاش فراوان داشته باشند. در تصدیق این امر، می توان به روایتی از رسول اکرم (ص) تمسک جست، ایشان فرموده اند: ای مردم همانا خیر می دهم شما را به دو کار کم هزینه و پر اجری که هیچ کاری به مانند آن ها انسان را به لقا خدا نمی رساند: سکوت طولانی و خلق نیکو (مجلسی، بحارالانوار الف، ج ۷۴ ص ۱۸۱).

2-2-1- آثار اخلاقی سکوت

رعایت سکوت آثار فراوانی دارد و سبب کسب خیرات بسیاری می شود. در اینجا به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. کسب وقار و عزت: رعایت سکوت عیب ها و کاستی ها را می پوشاند، چراکه به وسیله سخن است که پاکی و ناپاکی دل، علم و دانش و یا جهل و نادانی انسان آشکار می شود؛ سکوت برای جاهل پوشش است و برای عالم، زینت، و لذا رعایت سکوت سبب حفظ شأنیت آدمی و در نهایت کسب عزت می شود.

همچنین سکوت و خودداری از سخنان بیهوده، مشکل عذرخواهی و البته پشیمانی^۹ را بر می دارد، و همین امر موجب کسب وقار می شود. در حدیثی آمده است، چه بسا سخن گویی که با سخن بی جا بر خود جنایت نموده است. شاید بتوان گفت یکی از مصادیق جنایت بر نفس همین امر باشد.

در نهایت دارا بودن وقار و عزت موجب می گردد که دیگران بر انسان مسلط نشوند، و لذا از ذلت انسان در برابر اشخاص جلوگیری می کند (غررالحکم، ج ۱۸۲۷ ، قمی، نزهة النواظر، ص ۱۳۵ ، تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ص ۲۱۶ ، مجلسی، ۱۳۷۸ ج ۲ ص ۲۳۴ و ۲۳۵ ، همو، ج ۲ ص ۲۸۲ و ۲۸۴).

۲. جلب محبت: بیان شده است که سکوت محبت می آورد؛ اگر مقصود از محبت، محبت داشتن به خدا باشد، در اینصورت سکوت عبادتی خواهد شد که فقط خداوند از آن مطلع می باشد. و اگر منظور، دوستی خلق باشد، از آن جهت است که مهم ترین سبب عداوت و دشمنی حرف زدن است از قبیل نزاع، جدال، فحش، غیبت، سخن چینی، نیش زبان زدن، شوخی زیاد و ... و لذا سکوت انسان را از این قبیل موارد نجات می دهد (کلینی، ۱۳۶۲ ج ۲ ص ۱۱۳ ، خازنی، ۱۳۴۶ ج ۵ ص ۴۳۵ ، دیلمی، ۱۳۴۹ الف، ج ۲ ص ۴۴ ، حر عاملی، ۱۳۸۰ الف، ص ۱۳۶ ، مجلسی، ۱۳۷۸ ج ۲ ص ۲۳۰ و ۲۳۵).

^۸ - البته روزه سکوت در شریعت اسلام تحریم شده است. امام سجاده^(ع) فرمودند: روزه سکوت حرام است (کلینی، ۱۳۶۲ ج ۴ ص ۸۵ ، صدوق، ۱۳۶۲ ج ۲ ص ۵۳۶ ، اربلی، ۱۳۸۱ ج ۲ ص ۱۰۴).

^۹ - اگر در سکوت پشیمانی هم باشد، یک بار است اما پشیمانی از سخن بیهوده، بسیار است (مجلسی، ۱۳۷۸ ج ۲ ص ۲۳۰).



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

3. راهنما به سوی خیرات: امام صادق^(ع) فرمودند: سکوت راهنما و دلیل بر هر گونه خیر است. یعنی نشانه بودن خیر و خوبی ها در شخص سکوت کننده است و یا اینکه منظور از این جمله این می باشد که سکوت موجب توفیق انسان به هر خیر و کمالی است. به هر حال مقصود از خیر آن چیزی است که موجب ثواب اخروی شود و یا منفعت دنیوی داشته باشد، بدون اینکه ضرر و زیانی به کسی برسد (کلینی، 1362، ج 2، ص 113، دیلمی، 1349، الف. ج 2، ص 44، حر عاملی، 1380، الف. ص 136، مجلسی، 1378، ج 2، ص 239، همو. د، ج 2، ص 292 و 294).

4. تقلیل اشتباهات و لغزش ها: در روایات آمده است که حفظ سکوت و رعایت در سخن گفتن اشتباهات آدمی را به حداقل می رساند، تا جایکه گفته شده اگر در سخن گفتن، بلاغت باشد، در سکوت سلامت از لغزش هاست. خطا و لغزش فراوان، سبب نابودی حیا و افزایش سخن دروغ، و در نهایت از بین رفتن پرهیزکاری شخص می شود، و این امر آدمی را مستوجب آتش می نماید (غرر الحکم، ج 3714، نهج البلاغه، کلمات قصار 349، دیلمی، 1349، الف. ج 2، ص 48-49، حر عاملی، 1380، الف. ص 139).

5. کسب حکمت: سکوت و گوش دادن از درهای ورود حکمت و دانش و سبب حصول و پیدایش علوم ربانی و الهی است. بدیهی است قسمت مهمی از نیروهای فکری انسان در فضول کلام و سخنان بیهوده از میان می رود، چراکه سخن بی فایده مانند شراب است که عقل را زایل می نماید. هنگامی که انسان سکوت را پیشه می کند، این نیروها متمرکز می گردد، و تفکر و اندیشیدن تام و کامل می شود، و ابواب حکمت به روی انسان گشوده می شود. در حدیثی آمده است که سکوت راحتی عقل است. البته سکوت در خدمت عالم و جدال نکردن با او و گوش دادن به بیاناتش نیز سبب حصول علم و حکمت می شود (حر عاملی، 1380، الف. ص 138، مجلسی، د، ج 2، ص 278 و 292، همو، 1378، ج 2، ص 236).

علامه مجلسی بر این باور است که سکوت شخص دلیل و نشانه دارا بودن علم و حکمت اوست. روایتی در این باب وجود دارد که می فرماید: هنگامی که مومن را خاموش دیدید به او نزدیک شوید که دانش و حکمت به شما القا می کند (ورام، 1369، ص 206، دیلمی، 1349، الف. ج 2، ص 47، مجلسی، د، ج 2، ص 292).

6. قرب الهی: سکوت موجب دوری شیطان و همچنین هوای نفس از آدمی می شود، و قساوت دل را از بین می برد، نفس را به ریاضت وا می دارد و عبادت را شیرین می گرداند و کارهای دینی را سهل می کند و حقیقت ایمان را به انسان می چشاند. بدیهی است که در اینصورت حساب انسان سبک می گردد، و موجبات رضایت خداوند فراهم می آید (کلینی، 1362، ج 2، ص 114، مجلسی، د، ج 2، ص 283، همو، 1378، ج 2، ص 234).

از احادیث چنین بر می آید که قسمت قابل توجهی از ثواب و عقاب انسان در گرو زبان اوست. امام علی^(ع) می فرماید: مسلمان تا زمانی که ساکت است، سالم می ماند،¹⁰ و هرگاه سخن بگوید (بسته به سخنانش)، او را در شمار نیکوکاران و یا گناهکاران می نویسند. همچنین حدیث معروفی از امام سجاد^(ع) است که ایشان فرمودند: زبان آدم هر روز متوجه اعضا و جوارح انسان می شود و می گوید: چگونه روز را گذرانیدید؟ آن ها می گویند اگر دست از ما برداری سالم خواهیم ماند. آن ها او را به خداوند سوگند می دهند که ما را آزار نده و می گویند ثواب و عقاب ما به شما ارتباط دارد (قمی، نزهة النواظر، ص 135، مجلسی، 1378، ج 2، ص 230، همو، د، ج 2، ص 303).

¹⁰ - در روایتی دیگر از امام صادق^(ع) نقل شده است، که مومن مادامی که ساکت است، او را در ردیف محسنین و نیکان می نویسند (تا آخر حدیث).



اولین همایش اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

بیان یک نکته ضروری به نظر می رسد، درباره سخنان مباح که نه حرام است و نه واجب و نه مستحب از جهتی بحث و اختلاف هست که آیا چنین سخنانی در پرونده اعمال، ثبت و ضبط می شود؟

از این عباس نقل شده که اینها نوشته نمی شود و کیفر و پاداشی هم در مقابل آنها نیست.

چنین دیدگاهی با ظاهر آیه ی ((مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ))¹¹ و همچنین آیه ی ((وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَنْطَرٌ))¹² همخوانی ندارد.

علامه مجلسی پاسخ می دهد: کیفر و پاداش نداشتن دلیل بر ضبط نشدن نمی شود، چون امکان دارد که ثبت اینگونه سخنان جهت دیگری، غیر ثواب و عقاب داشته باشد، مثلاً برای حسرت و اندوه که چرا عمر گرانیامه را صرف کردم با اینکه می توانستم کسب ثواب نمایم (مجلسی. د. ج. 2 ص 294).

2-3- نقش خودداری از سخن گفتن در دست یابی به اصول اخلاقی

روشن شد که خودداری از سخن گفتن و ملازمت بر سکوت خیر بسیاری را به همراه دارد، و با ترک آن آدمی در مسیر سیر و سلوک قرار نخواهد گرفت. همانطور که در ابتدای بحث گفته شد، با توجه به نظر برخی از علما، امهات اخلاقی شامل فضیلت حکمت، شجاعت و عفت است، به تحقیق خودداری از سخن گفتن و حفظ سکوت اهمیت فراوانی در کسب سه فضیلت مذکور دارد، در اینجا به بخشی از آن اشاره می شود.

2-1- خودداری از سخن گفتن و اهمیت آن در کسب حکمت

حکمت صفتی است که به موجب آن، آدمی حقایق را همانطور که هست می فهمد و دچار لغزش نمی شود (جعفری. کوثر. ج. 2 ص 26)، بدیهی است اگر آدمی زبان خویش را کنترل نماید، و آن را از گناه و معصیت الهی دور بدارد، همین تقوای زبان سبب نجات و یافتن راه از بی راه می گردد، همانگونه که در تعریف حکمت بیان می شود، که آن انسان را در امور حقی که باطل در آن راه ندارد، واقف می گرداند (طبرسی. 1360 ج. 2 ص 155). در قرآن نیز چنین پاداشی در برابر کسب تقوا ذکر شده است، آنجاکه خداوند متعال می فرماید: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ...))¹³.

¹¹ - [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند]. 18ق

¹² - و هر خرد و بزرگی [در آن] نوشته شده. 53قمر

¹³ - ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید. 28حدید



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

بیان شد گناهی مانند تمسخر، موجب محرومیت انسان از نعمت الهی می شود، چه بسا یکی از آن نعمات، نعمت حکمت باشد، چراکه مسخره کنندگان در قرآن کریم، جاهل خوانده شده اند. همچنین دیگر گناهان زبان مانند غیبت، شوخی زیاد، جدل و مراء نیز موجب معطوف کردن ذهن آدمی به خود می شود، و بدیهی است در اینصورت، قوایی برای ذهن باقی نمی ماند که مشغول به کسب معرفت و دانش، و در نهایت حکمت بشود، و اصولاً اصرار بر گناه توفیق عبادات و کسب فیض را از آدمی سلب می کند، و از آنجایی که بیشتر گناه بشر از زبان اوست، حفظ زبان از گناه، موجب توفیقات فراوانی خواهد شد.

دانشمندان در برخی از تحقیقات علمی در رابطه با دروغ گفتن کشف کردند که قسمت قدامی سر، جایی که در لغت عرب، به ناصیه مشهور است، مسئول برنامه ریزی و نقشه کشیدن در اتخاذ تصمیمات مهم، اعم از درست و غلط می باشد. همچنین این بخش از مغز، مسئول ارائه افکار جدید و خلاقیت در امور مثبت و منفی نیز هست. دانشمندان با بررسی های خود دریافتند که به هنگام گناه (از جمله دروغ گفتن)، این بخش از مغز فعالیت بسیاری انجام می دهد، چراکه اساساً فطرت آدمی بر مبنای درستی و صداقت بنا شده است، و لذا عمل خلاف آن نیازمند صرف انرژی فراوان است. بنابراین بدیهی است که مبادرت بر گناه (خاصه دروغگویی) موجب می شود ذهن، بیشتر معطوف به این مسائل باشد، و به دلیل انرژی زیادی که صرف آن می کند، زودتر از حد معمول به زوال بینجامد.¹⁴

اما سکوت به طور مطلق (نه در برابر گناه)، و اهمیتی در کسب حکمت، بسیار واضح است، همانطور که بیان شد، معصومین (علیهم السلام) صراحتاً به دریافت حکمت به هنگام سکوت اشاره کرده اند. البته یکی از دلایل رابطه ی سکوت و کسب حکمت، همان مسئله ایست که در بالا بیان شد؛ که فضول کلام موجب از بین رفتن نیروهای فکری انسان می شود. البته یادآوری این نکته به جاست که سکوتی موجب دریافت حکمت می گردد که در آن تفکر باشد، وگرنه کاری بیهوده و لغو است.

2-2- خودداری از سخن گفتن و اهمیت آن در کسب شجاعت

اگر منظور ما از شجاعت، تسلط بر نفس و دوری از گناه باشد، به طور خودکار با اجتناب از گناه زبان، شجاعت نیز حاصل شده است. اما اگر دلآوری، منظور نظر ما باشد، با ترک گناه زبان (خاصه دروغ)، چنین شجاعت و قوت قلبی در ما ایجاد می شود، چه اینکه انسان گناهکار، دائماً در ترس از فاش شدن گناهش به سر می برد، و میرا بودن از معاصی چون دروغ، غیبت، تهمت، مسخره کردن و ... اعتماد به نفس و شجاعتی به انسان می بخشد، که از کرده های خویش مطمئن است، و در برابر هیچ انسانی محتاج پشیمانی و عذرخواهی نیست.

اما در رابطه با سکوت مطلق (نه در برابر گناه)، همانطور که گفته شد، یکی از فواید سکوت، کسب عزت است، واضح است که همین حس عزت و وقار، موجب کسب شجاعت می شود. همچنین تقلیل اشتباهات و خطاها، از دیگر فواید سکوت است، همین که شخصی احساس کند که در اعمالش کمترین خطا را انجام می دهد، خود سبب ایجاد حس شجاعت در او می باشد. البته سکوت، خود مانعی است در برابر ارتکاب گناهان، و لذا انسانی که سعی در ترک گناه دارد، با توجه به کلام معصومین (علیهم السلام)، دارای صفت شجاعت می باشد.

¹⁴ - برای اطلاعات بیشتر به سایت مرکز اطلاعات فنی ایران، همچنین سایت عبدالدائم الکحیل (اعجاز علمی در قرآن و حدیث) رجوع شود.



اولین همایش اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

2-3- خودداری از سخن گفتن و اهمیت آن در کسب عفت

کسب عفت بسیار در گرو کنترل زبان است، و به طور خاص در بحث عفت، میحثی با عنوان عفت در کلام وجود دارد. با کمترین توجه به قرآن کریم و منش معصومین (علیهم السلام) و همچنین بزرگان اخلاق، به شدت رعایت عفت در کلام آن ها پی می بریم.

به طور کلی هر گناهی که از زبان سر بزند، شخص را از عفت کلام دور می کند. اما بی عفتی در برخی از این گناهان نمود بیشتری دارد. ترک دشنام و استفاده از الفاظ رکیک، که یکی از گناهان زبان است، موجب کسب عفت خواهد شد. همچنین است ترک جدال و مراء و شوخی زیاد، چراکه ممکن است این قبیل اعمال در برابر شخص نامحرمی صورت گیرد، که با ترک آن از غلبه ی شهوت جلوگیری می شود، چه اینکه یکی از معنای عفت از میان رفتن غلبه ی شهوت می باشد (راغب اصفهانی، 1375، ص 573). به طور کلی سکوت مطلق (نه در برابر گناه) نیز موجب کسب عفت می شود، خاصه اگر شخص در جمعی باشد، که افراد مختلف حضور داشته باشند، چراکه یکی از تعاریف عفت، خودداری از آن چیزی است که حلال نباشد (خوانساری، 1366، ج 2، ص 400). می دانیم که از سخن بیهوده و بی دلیل با نامحرم بسیار نهی شده است.

نهایتاً با خودداری از سخن گفتن و ملازمت بر سکوت فضائل اخلاق در آدمی ایجاد می شود، که مجموعه ی این ها فضیلت عدالت را نیز فراهم می آورد.

نتیجه گیری

کسب فضائل اخلاقی و تبدیل شدن به یک انسان کامل نیازمند فراگیری اخلاق است، لذا واجب است که به اخلاق به عنوان یک علم نگریست، و مبانی آن را، نزد اساتید این فن آموزش دید. روایات بسیاری دال بر این است که سکوت یکی از راه های کسب خلیات پسندیده می باشد، همچنین علمای اخلاق شاگردان خود را به مداومت بر سکوت توصیه می کردند. ترک گناهان زبان نیز از جمله مواردی است که آدمی را در کسب سه فضیلت مهم حکمت، شجاعت و عفت یاری می دهد. چه بسا با حذف این دو مورد؛ یعنی ملازمت بر سکوت و نیز حفظ زبان در موقعیت هایی که بناست مرتکب گناهی شود، انسان به هیچ یک از فضائل مربوطه دست نمی یابد، و هیچ سیر و سلوکی را تجربه نخواهد کرد. لذا بر آدمی واجب است که با شناخت گناهان زبان و نیز آگاهی بر مواضع سکوت، آن ها در خود نهادینه سازد. بدیهی است که در اینصورت موفقیت های چشمگیری را در سیر الی الله شاهد خواهد بود.

فهرست مطالب



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

- قرآن کریم ترجمه محمدمهدی فولادوند.
- نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی.
- غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمد علی انصاری، چاپ پنجم، امام عصر (عج) 1387.
- اربلی، ابو الحسن علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، چاپ اول، بنی هاشمی، 1381 ق.
- پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، چاپ چهارم، دنیای دانش، 1382.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، دفتر تبلیغات، 1366.
- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر.
- جنتی، احمد، نصایح، چاپ بیست و چهارم، الهادی، 1382.
- حرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، چاپ دوم، جامعه مدرسین، 1404.
- حر عاملی، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان (علیهم السلام) (الف)، ترجمه محمد علی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر، چاپ پنجم، آستان قدس، 1380.
- ، جهاد النفس وسائل الشیعة (ب)، ترجمه علی افراسیابی، چاپ اول، نهانندی، 1380.
- حسن زاده آملی، حسن، انسان در عرف عرفان، چاپ سوم، سروش، 1378.
- حیدری نراقی، علی محمد، اخلاق نراقی، چاپ اول، مهدی نراقی، 1390.
- خازنی، عبدالرحمن، میزان الحکمه، ترجمه محمد تقی مدرس رضوی، بنیاد فرهنگ ایران، 1346.
- خوانساری، آقا جمال الدین، شرح بر غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، نشر دانشگاه تهران، 1366.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب (الف)، ترجمه سید هدایت الله مسترحمی، چاپ سوم، مصطفوی، 1349.
- ، ارشاد القلوب (ب)، ترجمه علی سلگی نهانندی، چاپ اول، ناصر، 1376.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، مرتضوی، 1375.
- رضی الدین، حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم. شریف رضی، 1370.
- صابری یزدی، علی رضا، الحکم الزاهرة، ترجمه محمد رضا انصاری محلاتی، چاپ دوم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1375.



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲

- صدوق، الخصال (الف)، چاپ اول، جامعه مدرسین، 1362.
- ، امالی (ب)، چاپ پنجم، اعلمی، 1400.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید ... - ... وی همدانی، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، 1376.
- طبرسی، فضل بن حسن، مشکاة الأنوار (الف)، ترجمه عزیز ... چاپ اول، نشر عطارد، 1374.
- ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ب)، ترجمه مترجمان، چاپ اول، نشر فراهانی، 1360.
- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، نی، 1366.
- فیض کاشانی، ملا محسن، اللسان، چاپ اول، ذوی القربی، 1426.
- قمی، شیخ عباس، نزهة النواظر فی ترجمه معدن الجواهر، چاپ اول، نشر اسلامیة.
- کلینی رازی، احمد بن یعقوب بن اسحاق ، اصول کافی، چاپ دوم، اسلامیة، 1362.
- مجاهدی، محمد علی، پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان، چاپ اول، سرور، 1381.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (الف)، اسلامیة.
- ، آداب معاشرت (ب)- ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، چاپ اول، اسلامیة، 1364.
- ، ایمان و کفر (ج)- ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار، ترجمه عزیز الله عطاردی، چاپ اول، عطارد، 1378.
- ، بحار الانوار (د)- ترجمه جلد 67 و 68، ترجمه سید ابوالحسن موسوی همدانی، چاپ اول، کتابخانه مسجد ولی عصر.
- ، مواعظ امامان (علیهم السلام) (ه)، ترجمه جلد هفدهم بحار، ترجمه موسی خسروی، چاپ اول. اسلامیة، 1364.
- نراقی، ملا احمد ، معراج السعاده، چاپ پنجم، آدینه سبز، 1392.
- ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه محمدرضا عطائی، چاپ اول، آستان قدس، 1369.

- www.tici.info

- www.kaheel7.com



دانشگاه ترمینیم شیخ محمد رجایی

اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی با تأکید بر اخلاق



اولین همایش ملی اسلام و ارزش های متعالی
۷ اسفند ماه ۱۳۹۲